

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

مدیریت آموزش و پرورش شهرستان سیرجان

موضوع:

نقش معلمان در شکل گیری هویت ، ارزشها و باورهای دانش آموزان

تهیه کننده:

حمیده باغ پرور

زمستان ۱۴۰۲

فهرست مطالب

مقدمه.....	Error! Bookmark not defined.
معلم و فرهنگ.....	۵
محبوبیت معلم.....	۶
معلم در نقش مدافع مرزهای فرهنگی.....	۶
اهداف ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی.....	۷
صلاحیت های اجتماعی و تعلیم و تربیت.....	۸
نقش معلم در یک نظام آموزشی موفق.....	۸
نقش معلم در تربیت فرهنگی و اجتماعی دانش آموزان.....	۹
هدف شناسی.....	۱۰
شناخت ارزش ها.....	۱۰
توجه به تفاوت ها و شناخت دانش آموزان.....	۱۱
نقش الگویی معلم.....	۱۱
نتیجه گیری.....	۱۸
منابع.....	۱۹

چکیده:

معلمان نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری هویت اجتماعی و فرهنگی دانش‌آموزان دارند. آنها نه تنها اطلاعات و دانش خود را به دانش‌آموزان منتقل می‌کنند، بلکه به عنوان راهنما و الگویی برای آنها عمل می‌کنند. ارتباط نزدیک معلمان با دانش‌آموزان به آنها امکان می‌دهد تا از تجربیات و دیدگاه‌های مختلف استفاده کنند و به شکل‌گیری هویت خود بپردازند. معلمان با ارائه محیطی امن و حمایت‌کننده، دانش‌آموزان را تشویق به بیان دیدگاه‌ها و نظرات خود می‌کنند. آنها با سازماندهی فعالیت‌ها و گروه‌های کاری، همکاری و تعامل اجتماعی را ترویج می‌دهند. این عملکرد معلمان باعث تقویت هویت اجتماعی و فرهنگی دانش‌آموزان می‌شود، زیرا آنها با دیگران در ارتباط هستند و به ارزش‌ها، آداب و رسوم، و جامعه خود پایبندی می‌کنند. علاوه بر این، معلمان می‌توانند به عنوان نمونه‌های الگو برای دانش‌آموزان عمل کنند. با ارائه نمونه‌های مثبت و اخلاقی، آنها به دانش‌آموزان نشان می‌دهند که چگونه در جامعه رفتار کنند و با دیگران همدلی کنند. این نقش الگوسازی معلمان در تقویت هویت اجتماعی و فرهنگی دانش‌آموزان بسیار موثر است. به طور کلی، معلمان با ایجاد رابطه نزدیک با دانش‌آموزان، ایجاد محیطی حمایت‌کننده و ارائه الگوهای مثبت، نقش مهمی در شکل‌گیری هویت اجتماعی و فرهنگی دانش‌آموزان بازی می‌کنند. همچنین، آنها با ترویج همکاری و تعامل اجتماعی، به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا به عنوان اعضای موثر جامعه شناخته شوند و با توجه به ارزش‌ها و فرهنگ خود به طور سازنده در جامعه مشارکت کنند.

نکات کلیدی: جامعه-دانش‌آموزان-الگو-فرهنگی-معلمان

در تمامی نظام های آموزشی مدرسه رکن اصلی تعلیم و تربیت می باشد. معلمان نیز مربی و الگوهای با نفوذ تعلیم و تربیت هستند. بنابراین شغل معلمی یکی از حساس ترین و پرمسئولیت ترین شغل های جامعه است. پایه و اساس هر جامعه ای وابسته به تعلیم و تربیت افراد آن جامعه است. شکل گیری شخصیت نسل جدید به عوامل مختلف درونی و بیرونی بستگی دارد. عوامل مختلفی در تربیت موثر هستند که هر یک در جای خود مهم بوده و دارای درجه ی خاصی از تاثیر می باشند. در میان این عوامل مختلف بیشترین تاثیر در تربیت به خانواده و مدرسه برمی گردد در واقع این دو، شخصیت هر فرد را شکل می دهند.

معلم و فرهنگ

مطالعه فرهنگ و عناصر عمده آن برای هر فرد الزم و ضروری است، اما پیش از همه معلم باید به فرهنگ جامعه آشنا باشد. مدرسه هدف خود را از جامعه می گیرد و یکی از وظایف مدرسه آشنا ساختن افراد به فرهنگ جامعه است. بنابراین، برای اینکه معلم بهتر ریشه و اساس هدفهای تربیتی را درک کند و با وضع صحیح تری شاگردان را به امور فرهنگی آشنا سازد، باید مطالعاتی عمیق و اساسی درباره فرهنگ جامعه داشته باشد. تهیه برنامه تعلیماتی و انتخاب مواد مفید و الزم، کار مدرسه و معلم است. در هر جامعه منبع قدرت و منشا افکار و عقاید، اموری خاص می باشند. در جامعه ای علم و منطق هادی و راهنمای افراد در رفتار و عقاید و افکار آنهاست، در جامعه دیگر آداب و رسوم و سنتهای گذشته حاکم بر اعمال و افکار می باشند؛ در یک اجتماع عقاید دینی به طور موثر نفوذ دارند و در جامعه دیگر هر یک از این عوامل در حد خود در افکار و نظریات و عادات مردم تاثیر دارد. بنابراین معلم باید کامال به وضع فرهنگی و اجتماعی آشنا باشد تا بهتر بتواند وظیفه تربیتی خود را انجام دهد. تغییر و توسعه وسایل ارتباطی برای دستگاه تربیتی با معلم، اموری را مطرح می کند. همان طور که وسایل ارتباطی مثل روزنامه، مجله، کتاب، فیلم، رادیو و تلویزیون روی عادات، تمایلات، افکار و عقاید افراد تاثیر می کنند؛ مربیان باید در مقابل تاثیر این عوامل در برنامه تربیتی نکاتی را در نظر داشته باشند. هر یک از این وسایل ممکن است اثر

بد یا خوب روی فرد بگذارد، ضمناً استفاده از این وسایل آمادگی خاصی الزم دارد؛ از طرفی بیشتر این وسایل در دنیای امروز جنبه تبلیغاتی پیدا کرده است. بنابراین باید شاگردان مدارس را از لحاظ طرز تفکر انتقادی چنان مجهز نمود که بتوانند در مقابل این گونه وسایل و تاثیر آنها مقاومت کنند و در استفاده از آنها حسن انتخاب بخرج دهند.

محبوبیت معلم

محبوبیت معلم از دیگر شرایط الزم برای تاثیرگذاری بر شخصیت دانش آموزان است و بدون این شرط، تاثیر معلم در بهترین حالت محدود به ذهن و شناخت دانش آموز است. محبوبیت معلم به او این امکان را می دهد تا به آسانی موانع تبدیل باور ذهنی به ایمان قلبی را از میان بردارد و بدین تربیت، بذر باورهای دینی را در روح و قلب دانش آموزان به بار بنشانند هدف عمده آموزش توانا کردن دانش آموز برای تصمیم گیری ها در زندگی روزمره است به همین دلیل دانش آموز، در فرآیند آموزش، مهارت‌های الزم برای خود ارزیابی کردن را نیز فرا بگیرد. آگاه شدن دانش آموز در فرایند ارزشیابی خود او را به فرد آگاهی تبدیل می کند که به فراشناخت رسیده است که میتوان معلم را به عنوان الگوی یلدگیری دانش آموز معرفی کرد.

معلم در نقش مدافع مرزهای فرهنگی

در برخی روایات، عالم و معلم پاسدار مرزهای فرهنگی مسلمانان شمرده شده اند. از آنجا که اسلام همواره مخالفانی دارد که تالش می کنند حقانیت و مقبولیت عقاید، ارزشها و معارف آن را زیر سوال ببرند، الزم است گروهی از این مرزها مانند مرزهای جغرافیایی مسلمانان، حراست کنند. در یک جمع بندی کلی می توان گفت: مقام و منزلت، معلم در متون دینی مقام و منزلت پیامبر است و همان نقشهایی را بر عهده دارد که پیامبران داشتند؛ یعنی نقش تبیین و ترویج معارف اسلامی، هدایتگری، روشنگری، و دفاع از مرزهای فرهنگی اسلام. از آنجا که

نقش و مقام معلمان مهم و اساسی است، مسئولیت آنان نیز بسیار سنگین است؛ زیرا دو چیز گرانبها به امانت در اختیار آنان قرار داده شده است: نخست علم و فرهنگ اسلامی و دیگر، نسل جدید جامعه، نگهداری و حراست از این دو، نیاز به فداکاری و تالش دارد. امام خمینی (ره) می فرمایند: «معلم امانت داری است که غیر همه امانتها، انسان امانت اوست. در لایه برداری سطوح مختلف و نگاه عمیق و دور از غرض ورزی نخستین گام در تحول در آموزش و فرهنگ و اقتصاد است. پرورش خوب نسل نوپا بازمینی نحوه تربیت در خانواده ها و به موازات آن تحول در سیستم آموزش کشور از الف تا ی در ساخت یک فرد مقتدر ضروری است. برای نسل حاضر ایجاد انگیزه و بستر سازی مناسب برای ارتباط سودمند در بین آنان گامی موثر در پویایی، تحول در فرهنگ و اندیشه، رشد و شکوفایی کمال آدمی است.

اهداف ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی

-بازشناسی، حفظ و اصلاح آداب، رسوم، هنجارها و ارزش های جامعه در پرتو نظام معیار اسلامی .
درک مناسب موقعیت اجتماعی و سیاسی خود و جامعه و مواجهه خردمندانه با تحولات اجتماعی و سیاسی بر اساس نظام معیار اسلامی، به منظور ساختن آینده ای روشن و تأثیر گذاری بر آینده خود و جامعه در سطح ملی و جهانی؛ توسعه آزادی و مرتبه وجودی خویش و دیگران در پرتو درک و اصلاح موقعیت اجتماعی خود و دیگران (اعضای خانواده، خویشاوندان، دوستان، همسایگان، همکاران و همشهریان و هموطنان و...)، برقراری رابطه سازنده و مناسب با ایشان بر اساس نظام معیار اسلامی و کسب صفاتی جمعی نظیر احسان، مهرورزی، انصاف، خیرخواهی، بردباری، وفاق، همدلی و مسالمت جویی

-آمادگی جهت تشکیل خانواده و حفظ و تداوم آن به مثابه مهم ترین نهاد تحقق بخش جامعه صالح براساس ارزشهای نظام معیار اسلامی - .تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی و کسب شایستگی هایی

نظیر رعایت قانون، مسئولیت پذیری، مشارکت اجتماعی و سیاسی و پاسداشت ارزش های اجتماعی در جهت شکل گیری جامعه صالح و پیشرفت مداوم آن بر اساس نظام معیار اسلامی .

- بازشناسی فرهنگ و تمدن اسلامی، همراه با توجه به نیاز های حال و آینده جامعه و تلاش جهت تحقق امت واحدهای اسلامی بر اساس نظام معیار اسلامی - .

تالش برای ارتقای ابعاد مشترک (انسانی، اسلامی، ایرانی) هویت خویش به طور یک پارچه و براساس نظام معیار اسلامی .

صلاحیت های اجتماعی و تعلیم و تربیت

یکی از وظایف عمده موسسات تربیتی آماده کردن افراد جهت زندگی اجتماعی است. برای اینکه افراد بتوانند به طور موثر در زندگی اجتماعی شرکت کنند باید واجد شرایط و صالحیتهای خاصی باشند. به عبارت دیگر تا افراد یک جامعه مهارتها و عادات معینی را در خود رشد ندهند نمی توانند وضعی توأم با موفقیت و رضایت خاطر در زندگی اجتماعی برای خود بوجود آورند.

نقش معلم در یک نظام آموزشی موفق
- توانایی الزم برای یادگیری مادام العمر

- توانایی و دانش الزم در انتخاب شیوه ی برخورد با مسائلی که حل آنها نیاز به تفکر و گذشت زمان دارد

- تمایل و مهارت کار در گروه های اجتماعی

- توانایی برقراری ارتباط مناسب در شرایط متناسب

- ارج گذاری به ارزش های والی اجتماعی، انسانی - فرهنگی

-توانایی حل مسائلی که به خالقیت و ذکاوت احتیاج دارد برای این که فارق التحصیلان چنین ویژگی هایی داشته باشند الزم است که فرآیند آموزش آنها معتبر باشد. نباید فراموش کنیم که یکی از هدفهای مهم آموزش، به خصوص در دوره های آموزش عمومی، آموختن برای زیستن، برای در جمع زیستن و برای بهتر زیستن است. اگر آموزش در دوران تحصیلی نتواند دانش آموز را برای زندگی بهتر هدایت کند در اعتبار آن آموزش باید شک کرد زیرا یادگیری فرایندی است به اندازه تمام زندگی، هم در طول هم در گوناگونی اش.

نقش معلم در تربیت فرهنگی و اجتماعی دانش آموزان

۱-زمینه سازی جهت تفکر و اندیشه ورزی (کاوشی و پژوهشی) و انگیزشی ۱-زمینه سازی جهت تعامل و هم اندیشی ۲-زمینه سازی جهت انجام فعالیت های عملی ۳-زمینه سازی جهت مفهوم سازی و ارتباط با چهار عرصه ۴-زمینه سازی جهت خالقیت و تولید دانش ۵-زمینه سازی جهت خود ارزیابی، سنجی و به کارگیری انواع روشهای متنوع کیفی در فرایند تدریس. ۶-جمع بندی و توضیحات تکمیلی ۱-توجه به تفاوت های فردی، مقایسه هر فرد با خودش، هدایت انواع مهارت اجتماعی و فرهنگی، کارآفرینی، خود مدیریتی و..

معلم مسئول تمام افرادیست که زیر دست او تربیت می شوند. در واقع رفتار معلم تاثیر بسزایی بر رفتار و خلق و خوی دانش آموزان خواهد داشت. همانطور که می دانید افراد زیادی در سیستم های آموزشی مشغول به کار هستند که فعالیت هایشان به طور مستقیم و غیر مستقیم بر تربیت دانش آموزان تاثیر می گذارد اما در این بین معلم نقش برجسته تری دارد.

ابطه ای که دانش آموز با معلم دارد رابطه ای باطنی و معنوی است. هر دانش آموز در محیط خانواده رفتارهایی آموخته و شخصیت او تا حدودی شکل گرفته است اما هنوز شکل ثابتی ندارد و انعطاف پذیر و قابل تغییر می باشد. دانش آموز پس از خانواده وارد اجتماع جدید مدرسه می شود. او در این اجتماع رفتار و عادات خود را مورد بازنگری قرار داده و شخصیت خود را تکمیل و تثبیت خواهد کرد.

بانیفوذترین فردی که در این مرحله می تواند به او کمک کند معلم است. دانش آموز معلم را الگوی خود قرار می دهد و از رفتار و اخلاق معلم سرمشق می گیرد.

دانش آموز تمامی اعمال و رفتار معلم را زیر نظر داشته و از آن ها الگوبرداری خواهد کرد. رفتار معلمان با یکدیگر، رفتار آن ها با مدیر مدرسه، با سرایدار و دانش آموزان بر تربیت تک تک دانش آموزان تاثیرگذار خواهد بود. دانش آموز از تمامی رفتارهای معلم از جمله نحوه ی اداره ی کلاس، اخلاق و رفتار معلم، وقت شناسی، رعایت عدالت، رعایت نظم، مهربانی، خوشرویی، ادب، خیرخواهی و... درس می گیرد.

معلم فقط آموزش دهنده نیست بلکه الگویی با نفوذ در تعلیم و تربیت می باشد. محدوده ی اخلاقیات معلم فراتر از خود اوست بنابراین نمی تواند نسبت به رفتار خود بی تفاوت و آزاد باشد. معلم ابتدا باید به تهذیب نفس خود پرداخته و سپس به تعلیم و تربیت دانش آموزان پردازد.

هدف شناسی

اهداف هستند که در زندگی جهت کار، فعالیت و ارتباطات فردی در جامعه را مشخص می کنند. در صورتیکه دانش آموز از اهداف تربیتی معلم آگاه باشد فعالیت های خود را با فعالیت های معلم هماهنگ خواهد کرد. در واقع باید این باور را در دانش آموزان به وجود آورد که مدرسه مکانی مقدس برای آموختن درستکاری، انسانیت و دینداری است.

به عنوان مثال اگر می خواهیم دانش آموزان ما عاشق وطن باشند باید با تعلیم و تربیت این مهم را در ذهن آنان بیافرینیم و انجام این کار توسط معلم امکان پذیر است.

شناخت ارزش ها

ارزش ها در هر جامعه ای برگرفته از فرهنگ، مذهب، آیین و رسوم و گرایش های جامعه می باشند. این ارزش ها با توجه به ابعاد مکانی، زمانی و اجتماعی در هر جامعه ای متفاوت هستند. خانواده و وراثت درونی در شکل گیری ارزش ها بسیار مهم هستند اما بهترین مکان برای پرورش اصول ارزشی مکانی است که آموزش رسمی در آن انجام می شود و این آموزش توسط معلم انجام خواهد شد.

توجه به تفاوت ها و شناخت دانش آموزان

برای دوستانه و محترمانه بودن رابطه بین معلم و دانش آموزان معلم باید علایق، استعدادها و نیازهای دانش آموز را شناخته و آن ها را طبقه بندی کند. معلم باید با هر یک از دانش آموزان مطابق نیازها و استعدادهايش رفتار کند.

توجه به تفاوت های فردی هر دانش آموز پایه انتخاب شیوه های خاص تربیتی می باشد. معلم باید نقاط ضعف هر دانش آموز را شناسایی کند اما نباید بر روی این نقاط تمرکز کند چرا که باعث ناامیدی می شود. معلم باید با شناخت نقاط قوت و ضعف هر دانش آموز نقاط قوت او را تقویت و نقاط ضعفش را برطرف نماید.

نقش الگویی معلم

کمال گرایی و فضیلت خواهی از ویژگی های هر انسانی است. دیدن فضیلت و کمال در الگوهای دینی، سیاسی، اجتماعی و ... باعث می شود انسان درصدد الگوبرداری از آن ها برآید. موثرترین روش تربیتی ارائه الگو است چرا که هر دانش آموزی در زندگی نیازمند یک الگو است.

دانش آموز نیاز دارد که بداند چه رفتاری خوب و چه رفتاری بد است، چه کاری را باید انجام دهد و چه کاری را نباید انجام دهد همه ی این ها از روش الگویی تعلیم و تربیت نشأت می گیرد.

در این میان معلم به دلیل ارتباط مستمر و مستقیم با دانش آموز نقش بسزایی دارد. یک معلم خوب با روش هایی همچون مهربانی، احترام به شخصیت دانش آموز، انجام بازی ها، به کارگیری روش های غیر مستقیم نظیر برنامه های هنری و قصه گویی، پرهیز از سرزنش دانش آموز در مقابل دیگران، دروغ نگفتن، اجتناب از سخنان زشت و حفظ آراستگی ظاهری دانش آموزان را با تعالیم اسلامی و انسانی آشنا کرده و نقشی مهم در تربیت صحیح آنان خواهد داشت.

نقش معلم در جامعه پذیری دانش آموزان آموزش و پرورش، اصولاً موضوع یا پدیده ای اجتماعی است و مربیان و معلمان به عنوان مهمترین کارگزاران این نهاد در همه دوران ها و در تمامی جوامع، با توجه به اهداف آن سعی داشته اند تا شخصیت متعلمین خود را متناسب با نیازهای جامعه و برای عضویت در جامعه و ایفای نقش در آن آماده سازند. شاید این تصور در میان عوام رایج باشد که کار معلم فقط انتقال دانش است، اما واقعیت خلاف این تصور است. معلم به عنوان رابط بین جامعه و مدرسه همواره این دو را به یکدیگر نزدیکتر می کند و اصولاً اگر در جامعه ای آموزش و پرورش با زندگی اجتماعی پیوند نداشته باشد، اعتبار و اهمیت خود را از دست می دهد کودک انسان در لحظه تولد تنها یک ارگانسیم است و این به فرایند تاثیرپذیری از بزرگسالان است که از طریق القای مجموعه ای از ارزش های اجتماعی و هنجارهای او را به یک انسان اجتماعی، که قادر به ایفای نقش های اجتماعی است، مبدل سازد و درست به همین دلیل است که یکی از کارکردهای مهم نهاد آموزش و پرورش، اجتماعی کردن افراد جامعه است. مدارس و معلمان امروز از لحاظ تغییر افراد نقشی مهم بر عهده دارند و از لحاظ انتقال دانش و مهارت های فنی به عامل نخستین جامعه پذیری مبدل شده اند، ولی تاثیر آنها به این امر خلاصه نمی شود. معلمان با انتقال نگرش های جدید در زمینه اخلاقی، عاطفی، فرهنگی و سیاسی موجب تغییر و پرورش اجتماعی دانش آموزان نیز می گردند. تعریف جامعه پذیری یا اجتماعی شدن فرایند است که به انسان راههای زندگی کردن در جامعه را می آموزد و ظرفیت های او را در جهت انجام وظایف فردی به

عنوان عضو جامعه توسعه می بخشد. از منظر دیگر جامعه پذیری فرگردی است که طی آن فرد شیوه های رفتاری ، باورها، ارزش ها، الگوها و معیارهای فرهنگی خاص جامعه را یاد می گیرد و آنها را جز شخصیت خود می سازد ، بنابراین می توان گفت:جامعه پذیری را فرایند هم نوایی یا عدم هم نوایی فرد با ارزش ها ، آداب و رسوم و نگرش های جامعه از طریق تعامل بین فردی و جامعه دانست که بر این اساس جامعه پذیری فرد یک روند مستمر و پیوسته دارد که خاص دوران کودکی انسان نیست و در جریان کنش متقابل فرد با دیگر انسان ها به وقوع می پیوندد و در طی این جریان است که فرد یاد می گیرد خودش را به عنوان موجودی مستقل و جدا از دیگران بشناسد. هدف بنیانی جامعه پذیری مهم ترین مقاصد و اهداف مشترک جامعه پذیری در تمامی جوامع را می توان به طور خلاصه بدین شرح بیان کرد: آموزش قواعد و آداب و عادات رفتاری روزمره تا روش های علمی به افراد ایجاد هویت فردی از طریق برآوردن خواسته ها و آرزوها یا ممانعت از دست یابی به آنها آموزش نقش های اجتماعی و نگرش ها ، انتظارات و گرایش های مربوط به آنها توانایی برقراری ارتباط موثر با دیگران عوامل موثر بر جامعه پذیری عمده ترین عوامل اجتماعی کردن خانواده ، مدرسه ، همسالان و رسانه های جمعی اند. در حالی که خانواده در جوامع ابتدایی مسئول مستقیم جامعه پذیری نخستین در دوران کودکی است ، جوامع پیشرفته این مسئولیت به سازمان های رسمی مانند :آموزش و پرورش واگذار شده است . در واقع مدرسه نخستین دستگاہی است که به عنوان واسطه انتقال دانش و مهارت تاثیرات بسیاری فراتری بر افراد اعمال می کند که در این میان شاید بتوان نقش معلم را به عنوان مهمترین عامل در جامعه پذیری افراد در دوران تحصیل دانست. معلم و نقش آن در جامعه پذیری دانش آموزان استمرار و بقای هر جامعه مستلزم آن است که مجموعه ای از باورها، ارزش ها، رفتارها، گرایش ها، دانش ها، مهارت های آن نسل به نسل جدید منتقل شود . ساخت و کار یا وسیله این انتقال ، آموزش و پرورش است و آموزش و پرورش به معنی اعم ، مترادف با جامعه پذیری است . از سوی دیگر آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد اجتماعی برای انجام این وظایف خطیر به مشارکت افراد انسانی به عنوان کار گزار نیازمند است که یکی از مهم ترین این افراد معلمان اند. رابطه عاطفی بین معلم و دانش آموزان ، مخصوصا در سنین کودکی ،

تفاوت های علمی بین آنها و اقتدار رسمی معلم ، جایگاه ویژه ای برای او آماده می کند . نحوه گزینش ، چگونگی تدریس و اهمیت دادن به بعضی مطالب از یک طرف و میزان تبعیت و اطاعت علمی معلم از قوانین و احساساتش نسبت به ملت و کشور خود از طرف دیگر در جامعه پذیری دانش آموزان تاثیر بسیار مهم دارد. معلم هم می تواند الگو و سرمشق علمی برای دانش آموزان باشد و هم با توجه به اختلاف سطح علمی و فکر شاگردان ، مطالب مورد نظرش را به شکل منطقی و مستدل به آنها ارائه می دهد و بدین ترتیب برخی از آثار معلمان در پرورش اجتماعی و جامعه پذیری دانش آموزان را می توان در قالب موارد زیر بیان کرد: آموزش سجایای اخلاقی و اصلاح رفتارهای نامطلوب: معلم به عنوان یک اسوه در دست یابی انسان به مراتب عالی کمال انسانی نقش مهم عهده دارد . همه کارها و رفتارهای معلم برای دانش آموزان سند است و همچون آینه ای آنها را معکس می سازد و اندیشه ها و سخنان و رفتار معلم ، پندار ، گفتار و کردار دانش آموزان را شکل می دهد و بیشتر انتظارات دانش آموزان نیز این است که معلمان خوب بیندیشد و گفتارهای عاطفی با بار مثبت و سازنده داشته باشند. معلم در بازسازی و اصلاح رفتارهای نامطلوب و سوق دادن دانش آموزان به سوی اخلاق نیکو نقش بسزایی دارد. کار معلم در مراقبتی است از یک حیات در حال رشد، سرپرستی و راهنمایی مداوم متریبی و زیر نظر داشتن دائمی تغییرات و تحولات جسمی و روانی و جهت دادن او به سوی اهداف عالی انسانی . در واقع آموزش و پرورش رسمی از طریق آموزش اخلاقی تهدیدهای را که به واسطه خود محوری برای نظم اجتماعی ایجاد می شود ، کاهش می دهد و معلم با سجایای اخلاقی می تواند محور این تربیت باشد. از این روست که از معلمان خواسته می شود به جنبه های اخلاقی و رفتاری خود توجه داشته باشند و در انتخاب الگو و اسوه های عالی و کامل انسانی همچون پیامبر اکرم و ائمه توسل جویند ، زیرا این معلم است که با توجه به ابعاد تاثیر گذار خود می تواند ارزش های اخلاقی زیادی را از طریق اعتماد سازی در فضای کلاس به دانش آموزانش منتقل کند . آموزش خصلت تواضع و فروتنی هنگامی میسر می گردد که معلم خود رفتار متواضعانه در راه رفتن ، حضور در فعالیت های گروهی و ... به دانش آموزش نشان دهد. انتقال فهم و میراث فرهنگی: یکی از ویژگی های فرهنگ آموختنی

بودن آن است که به منظور جلوگیری از نابودی آن انتقال آن از نسلی به نسل دیگر اهمیت می یابد. آموزش و پرورش و به خصوص معلمان، در انتقال فرهنگ به شیوه صحیح و انتخاب عناصر فرهنگی مناسب نقشی مهم ایفا می کنند معلمان با متمایز کردن ارزش ها مناسب از ارزش های نامناسب و متبلور ساختن سنت ها و اعتقادات ناب در وجود دانش آموزان، در حفظ استقلال فرهنگی و بازسازی فرهنگی هر کشور تاثیر گذارانند. در واقع معلم عصر حاضر مسئولیتی فرهنگی در جامعه دارد. شکل گیری هویت: هویت عبارت است از مجموعه ای از مشخصات که موجب بازشناسی یک شخص از سایر همنوعانش می شود. هر فرد دارای هویت های چندگانه ای چون هویت فردی، سنی، جنسی، طبقاتی، ملی و فراملی است که هیچ یک از این هویت ها در تقابل با دیگری نیست بلکه مکمل آن نیز است. مدرسه به عنوان عامل مهم جامعه پذیری دانش آموزان نقشی موثر در هویت بخشی به آنها از طریق یاددهی ارزش ها و هنجارها دارد، به طوری که پس از پایان دوران تحصیل دانش آموزان باید بدانند که کیستند و پاسخ های مناسب برای سئوال مهم هویتی یافته باشند. تاثیر پذیری زیاد دانش آموزان از معلمین در مقایسه با افراد دیگر و الگو قرار دادن آنان، نقش معلمان را در شکل گیری هویت فردی دانش آموزان در جریان جامعه پذیری بیشتر روشن می نماید. مدرسه به عنوان محل عبور از دنیای فردی به دنیای جمعی، ویژگی های اجتماعی را بر ویژگی های فردی غالب می کند و دانش آموزان در اثر ارتباط مستمر با جمع و مشارکت با آنها رفتارهای اکتسابی از جمع را به رفتارهای فردی تبدیل می کنند. رفتارها می تواند در ابعاد مختلف شناختی، عاطفی و اجتماعی باشد و سازنده ارکان هویت دانش آموز شود. فضای مناسب آماده شده توسط معلم، زمینه ساز این رشد و شکوفایی در ابعاد هویتی است. معلم می تواند طریقه نیل به هویت موفق را با استفاده از نیازهای احساس مسئولیت و احساس ارزشمندی به دانش آموزان بیاموزد. یک بخش دیگر از هویت هر شخص، هویت ملی به عنوان مهم ترین نوع هویت جمعی است که در کشاکش تصور ما از دیگران شکل می گیرد و اصولاً پیرو دانش و بینشی است که ما در درجه اول خارج از خانواده یعنی در مدرسه دریافت می کنیم. معلمین در ایجاد و رشد این قسمت از هویت یکی از نقش های محوری را در جریان جامعه پذیری به عهده دارند، چرا که اصولاً

حس مسئولیت مدنی و احترام و علاقه به کشور خویش و خدمتگذاری شایسته به آن در میان دانش آموزان است مدارس از طریق کارگزاران خود یعنی معلمان روحیه تعلق به یک ملیت و یکپارچگی فرهنگی و هویت مشترک را در دانش آموزان تقویت می کنند. در این جاست که تفکرات و اندیشه ها و حد گرایانه معلم می تواند ضامن تکوین هویت ملی دانش آموزان گردد. آموزش مهارت های فنی و تخصصی توسعه اقتصادی مرهون وجود نیروهای متخصص و متعهد تربیت شده توسط نهاد آموزش و پرورش هر کشور است. بخصوص در دنیای امروز که با گسترش دانش و فناوری و تخصصی شدن هر چه بیش تر از مشاغل لازم است افراد از آموزش های فنی و حرفه ای لازم بهره مند شوند، وظیفه معلمان در جامعه پذیری شغلی آماده سازی دانش آموزان برای پذیرفتن نقش های شغلی آینده خود بیش از پیش آشکار می شود. به طور کلی هر جامعه سنتی برای نوسازی و نو اندیشی باید امکانات تولید را با افزایش مهارت های نیروی کار، کاربر فناوری مناسب، تعهد افراد به رعایت قوانین، بالا بردی و تقویت وجدان و شعور اجتماعی افزایش دهد. آموزش و یاددهی این ویژگی ها از نکات مهم در جامعه پذیری توسط معلمان صالح است. ایجاد بینش و مهارت سیاسی نظام آموزش و پرورش رسمی در برنامه ها و کتاب های آموزش خود، هدف پرورش سیاسی دانش آموزان را در نظر دارد. معلم در مدرسه نه تنها نمی تواند و نباید خود و فراگیرانش را از سیاست و سرنوشت سیاسی خویش دور نگه دارد، بلکه باید در سیاست کشورش نقش موثر به عهده داشته باشد. معلم به عنوان عضو فعال در اجتماع ابتدا زیر بنای استقلال فکری، ساسی آینده سازان را بنا می نهد. دیدگاه ساسی معلم خواه ناخواه در ابراز عقاید به دانش آموزان منتقل می شود. حتی باید توجه داشت که چگونگی اداره کلاس درس توسط معلم نیز بر برداشت ها و دیدگاههای متعلمین اثر گذار است به طوری که اتخاذ روش های آزاد منشانه توسط معلم، نگرش های دموکراتیک را به دانش آموزان می دهد و سبب تقویت آن می شود و متقابلا اتخاذ روش های غیر دموکراتیک و سخت گیرانه، نگرش های دموکراتیک را به یادگیرنده انتقال ندهد و گرایش دانش آموزان را به نظام های سلسله مراتبی افزایش داده، کنش آنها را نسبت به اقتدار و قدرت تقویت می کند. نتیجه گیری جامعه پذیری تجربه است که در طول زندگی تداوم دارد و

سیستم دو جانبه ارتباط فرد و جامعه است . از میان عوامل گوناگون جامعه پذیری شاید بتوان خانواده و نهادهای اجتماعی را مهم ترین دانستو در بین نهادها، آموزش و پرورش و کارگزاران آن یعنی معلمان اساسی ترین نقش را ایفا می کنند . مدارس صرفا مکانی برای انتقال محفوظات و آموزش دانش نیستند بلکه در واقع وظیفه اصلی آن ها درونی کردن ارزش ها و هنجارها ، فرهنگ پذیری ، تکوین هویت، پرورش سیاسی و آموزش مهارت های شغلی به دانش آموزان است که بخش وسیعی از این وظیفه به معلمان ، به عنوان مبلغان ارزش ها و مسئولیت های اجتماعی و پایه گذاران اندیشه های علمی ، سپرده شده تا حرف اول را در تربیت منابع انسانی بزنند. شاید به واسطه همین نقش کلیدی معلم در جامعه پذیری متعلمین است که معلم باید علاوه بر خصوصیات علمی چون : علاقه به تدریس، و تسلط بر موضوع درس و علاقه مندی به فراگیران، از ویژگی های چون ثبات عاطفی و روانی ، آگاهی از فن و مهارت آموزشی روحیه همکاری و همدلی با فراگیران، برقراری رابطه میان جامعه و مدرسه ، بینش و بصیرت سیاسی مناسب و ... برخوردار باشد تا بتواند معلمی اثر بخش در فرایند اجتماعی کردن باشد و بتواند امانات در دست خود را که همانا انسان ها هستند برای ورود به جامعه و زندگی اجتماعی بهتر مهیا سازد.

نتیجه گیری

انتخاب معلمان متعهد و دلسوز و عالقه مند به شغل معلمی و مهم تر از همه سرمایه گذاری کلان در امر تربیت کودکان، نوجوانان و جوانان؛ به صورت زیر بنایی، جامعه ای سالم و پرتحرک و مقید به ارزشهای انسانی و اسلامی را نوید می دهد. پس موفقیت معلمان در تربیت، علاوه بر اینکه نیازمند خودسازی درونی است به وجود نهادهای تربیت معلم قوی در یک نظام تعلیم و تربیت نیز متکی است. در نظام تعلیم و تربیت امروزی، معمولاً تقسیم کار است و در مدارس، متولی آموزش غیر از متولی تربیت است. به لحاظ اداری، معلمان تنها وظیفه تعلیم رابه عهده دارند و مربیان و نهاد تربیتی مدرسه وظیفه تربیت را. پس می توان نتیجه گرفت که معلمان نقشی پر رنگ و الگویی در زمینه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و از همه بیشتر در زمینه اجتماعی کردن دانش آموزان در زندگی آنان نقش دارند. و باید زمینه های مناسب را برای معلمان و دانش آموزان فراهم کرد تا بتوانند از نظر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی رشد کرده و نیازهای خود و جامعه خود را برآورده سازند. نقش فرهنگی معلمان در دانش آموزان، تأکید به رعایت ارزش ها، عقاید، آداب و رسوم و هنجارهاست؛ از نظر اجتماعی توانا کردن دانش آموز برای تصمیم گیری ها در زندگی روزمره و ساختن آینده ای روشن و تأثیر گذاری بر آینده خود و جامعه و مشارکت جمعی مؤثر در حیات اجتماعی، رعایت قانون، مسئولیت پذیری، مشارکت اجتماعی و سیاسی، پاسداشت ارزش های اجتماعی؛ و از نظر اقتصادی تدبیر امر معاش و زندگی اقتصادی و درک و فهم مسائل اقتصادی خود و جامعه و رعایت الگوهای ملی تولید، توزیع و مصرف منابع، کالاها و خدمات. همچنین باید برای معلمان نیز آموزش های ضمن خدمت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی گذاشته شود تا علاوه بر آشنایی آنها در این زمینه و همچنین مسائل

روز جامعه، بهتر بتواند دانش آموزان را از نظر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی پرورش دهند. در آخر آینده ملت ها به دست دانش آموزان آن ملت است پس باید برای آینده ای روشن تدابیر خاصی اندیشه کرد.

منابع:

۱- لیلا طایفه خانی دانش آموخته فوق لیسانس رشته فقه و حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین _

پیشوا

۲- سید محسن رضایی دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته الهیات و معارف اسلامی

۳- سمیرا خیری دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته مهندسی کشاورزی گرایش گیاه پزشکی

۴- زینب رستمی دانش آموخته کارشناسی رشته مدیریت بیمه دانشگاه غیر دولتی حکیمان

۵- فاطمه فلاح نژاد. دانش آموخته فوق لیسانس رشته تاریخ ایران اسلامی دانشگاه روزانه تبریز

۶- ایت ، حسین (۱۳۸۴). مقام معلم در جامعه اسلامی ، مجله تربیت وزارت آموزش و پرورش

۷- رضانی ، عباس (۱۳۸۵) معلم باغبان بوستان تعلیم و تربیت . مجله تربیت ، وزارت آموزش و پرورش

۸- ستوده ، هدایت الله و دیگران (۱۳۸۰) مفاهیم کلیدی جامعه شناسی . تهران : اوای نور

۹- شعاری نژاد ، علی اکبر (۱۳۷۶) فلسفه آموزش و پرورش . تهران : امیرکبیر

